

سناریوهای محتمل آینده عراق بر اساس بازیگران مؤثر سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی

عنایت الله یزدانی*

داود افشاری**

بهمن ربیعی نیا***

چکیده

کشور عراق در شرایط جدید شاهد مواجهه با تشدید ناامنی‌ها و توسعه حضور گروه تروریستی داعش بوده است. بحران جدید ناشی از اقدامات تروریستی داعش را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی برای منطقه طی یک دهه گذشته قلمداد کرد. زیرا تحولات آینده عراق نقش مهمی در ترسیم خطوط قدرت در این منطقه بازی خواهد کرد. بنابراین مسائلی از قبیل آینده سیاسی عراق در منطقه، شکل حکومت بعدی عراق پس از برون‌رفت از بحران و یا سقوط بغداد توسط

*. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول: eyazdan@ase.ui.ac.ir).

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان.

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره نوزدهم، صص ۸۵ - ۵۵.

داعش، ترکیب حکومت و نقش گروه‌های متنوع قومی - مذهبی و همچنین نقش نیروهای خارجی در عراق در کانون این نگرانی‌ها و توجهات قرار دارد. مقاله حاضر بر اساس روش آینده‌پژوهی و شیوه سناریونویسی آینده‌های محتمل در عراق را مورد شناسایی قرار داده است. در واقع سؤال اصلی مقاله این است که بر اساس بازیگران سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به تحولات عراق چه سناریوهایی برای آینده آن محتمل خواهد بود؟ در این راستا نگارنده به ترتیب احتمال کم به زیاد چهار سناریوی؛ غیرمنتظره نامطلوب (سقوط عراق توسط داعش)، منتظره مطلوب (شکست کامل داعش در عراق)، غیرمنتظره مطلوب (تجزیه عراق - نسبت به سقوط آن-) و منتظره غیرمطلوب (مدیریت بی‌ثباتی در عراق توسط آمریکا)، را مورد شناسایی و بررسی قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: آینده‌پژوهی، عراق، داعش، ایران، سناریونویسی، آمریکا.

خاورمیانه در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین منطقه جهان به شمار رفته و تحولات آن به‌گونه‌ای مؤثر تمامی جهان را تحت تأثیر قرار داده است. وجود کشورهایی با ساختار سیاسی و اقتصادی ناموزون و بی‌اقتدار، ساختار سیاسی اکثراً مبتنی بر نیروی زور و جبر، ساختار اقتصادی مبتنی بر منابع زیرزمینی، وجود قومیت‌ها و گروه‌های مختلف و عدم ثبات فرهنگی در این کشورها، شرایطی را موجب شده است که منطقه مذکور از بحرانی‌ترین مناطق جهان در حداقل نیم‌قرن اخیر بوده باشد. از طرف دیگر وجود منابع نفتی و گازی و موقعیت سوق‌الجیشی و ژئوپلیتیک نیز باعث شده است تا همواره قدرت‌های جهانی به این منطقه توجه خاصی داشته باشند. از جریان‌هایی که در دهه اخیر نقش بسیاری در منطقه ایفاء کرده و هرروز نیز بر دامنه گسترش نفوذ آن در منطقه افزوده می‌شود، جریان «نوسلفی تکفیری» است که در عراق نیز شاهد آن هستیم. عراق به‌عنوان یکی از همسایه‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید شاهد مواجهه با تشدید ناامنی‌ها و توسعه حضور گروهک تروریستی داعش شده است. در فضای بین‌المللی نیز حملات داعش به صورت وسیعی توسط بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی پیگیری و دنبال می‌شود و جهت مقابله با آن مواضع مختلفی اتخاذ گردیده است.

جمهوری اسلامی ایران از دو منظر با روند گسترش جریان‌های نوسلفی تکفیری مرتبط بوده و نمی‌تواند نسبت به آن بی‌توجه باشد نخست؛ اینکه ایران یکی از کشورهای غرب آسیا است و رشد سلفی‌گری که شیعه را دگرخود می‌خواند برای امنیت ملی ایران بسیار تهدیدآفرین و خطرناک است دوم؛ این که پیوند امنیت خاورمیانه به امنیت بین‌المللی می‌تواند موجب افزایش حساسیت قدرت‌های بزرگ‌شده و آن‌ها را به گسترش نفوذ و افزایش

حضور نظامی در منطقه غرب آسیا تحریک می‌کند (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴). در هر صورت اتخاذ سیاست‌های درست و کاربردی همراه با به‌کارگیری روش‌های کم‌هزینه و درعین‌حال تنش‌زدا، برای چگونگی مقابله با گروه‌های نوسلفی در عراق بخش قابل توجهی از منابع دیپلماسی کشور را متوجه خود نموده است. انتخاب چنین سیاست‌هایی نیازمند شناسایی و پژوهش در خصوص آینده‌پژوهی تحولات آتی عراق است. به عقیده نگارنده، متغیرهای تأثیرگذار بر آینده‌های محتمل برای عراق در سه سطح قابل تحلیل است: سطح اول، نظام بین‌الملل، سطح دوم: منطقه‌ای و سطح سوم داخلی - ملی است. این مقاله قصد دارد با استفاده از چارچوب آینده‌پژوهی و شیوه سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی به بررسی و شناخت سناریوهای محتمل برای آینده عراق با توجه به چهار متغیر بازیگران مؤثر بر آن، احتمال وقوع و مطلوبیت آن، و درجه احتمال این سناریوها بپردازد.

۱. چارچوب تحلیلی: آینده‌پژوهی^۱

بشر در طول زندگی خود همواره با موضوع «جهت‌گیری به سود آینده یا آینده چه خواهد شد؟» مواجه بوده است و نکته اساسی آن بحث نیز، چگونگی پاسخ‌گویی به این جهت‌گیری بوده است. در این نگاه ما با یک آینده مواجه نیستیم بلکه با آینده‌های متفاوتی مواجه هستیم که می‌توانیم در آن‌ها نقش انتخاب‌گر داشته باشیم. این رویکرد، آینده‌پژوهی را با یک وضعیت پیچیده روبرو می‌سازد. این چیزی است که راهی برای رهبران، تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذارها باقی نمی‌گذارد، جز آنکه آنان را ناگزیر به اندیشیدن به آینده نماید.

تعاریف متعدد و گوناگونی از مفهوم آینده‌پژوهی ارائه گردیده است. در یک تعبیر کلی و با استفاده از برخی روش‌های توصیفی یا تجویزی می‌توان گفت: آینده‌پژوهی عبارت است از تلاش برای درک آنچه در آینده می‌تواند روی دهد و یا باید روی دهد و یا به تعریف دیگر آینده‌پژوهی فرآیندی است که به پیش‌بینی چندین رویداد محتمل می‌پردازد (تقوی‌گیلانی، ۱۳۸۹: ۶۷). در واقع آینده‌پژوهی، فرآیندی است که نیاز به

۱. آینده‌پژوهی را معادل لغت لاتین Future Studies در نظر گرفته‌اند. کلمه جمع Future به این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از متدولوژیها و به جای تصور فقط یک آینده، با گمانه‌زنی‌های سامان‌مند و خردورانه چندین آینده متصور شود.

رویکرد سامان‌مند و مشارکتی برای توسعه راهبردها و سیاست‌های کارا برای دوره میان‌مدت و بلندمدت آینده دارد.

در تعاریف متعددی که برای آینده‌نگاری ارائه شده است، دلالت‌های ضمنی به شرح زیر وجود دارد: ۱. تلاش برای بررسی آینده باید نظام‌مند باشد؛ ۲. این تلاش باید درازمدت باشد- به‌طور معمول ۱۰ تا ۳۰ سال، ۳. آینده‌نگاری یک فرآیند است؛ ۴. تأکید روی شناسایی سریع متغیرهای عام نوظهور است؛ ۵. تأکید بر حوزه‌های تحقیقاتی راهبردی است (مظفری، ۱۳۸۹: ۲۴). آینده‌نگاری فرآیندی است که مهم‌ترین نتیجه آن تنظیم اولویت‌ها برای راهبردها و استراتژی‌های یک کشور در قبال آیند است؛ از این رو به منظور دستیابی به چنین نتایجی باید از روش‌های مختلف آینده‌نگاری استفاده کرد. فایده روش‌های آینده‌نگاری، کشف، خلق و آزمایش دیدگاه‌ها و آرمان‌های مطلوب و ممکن آینده است. داشتن یک آرمان برای آینده در اتخاذ سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌ها مفید است و احتمال وقوع آینده‌های مطلوب را بیشتر می‌کند (مرادی، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

۱-۱. سناریونویسی یکی از روش‌های آینده پژوهی

سناریونویسی که یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است، عبارت است از شرح رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط معین ممکن است روی دهند. سناریو شامل تصاویری از آینده محتمل هستند که هدف از به‌کارگیری آن‌ها مورد آزمایش قرار دادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذشده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. بدین منظور، سناریوها با کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرد. سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کند، بلکه به ما کمک می‌کند، چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، بیان‌دیشیم و به تصمیم‌گیری و مدیریت آینده بپردازیم (Makridakis & Wheelwright, 1989: 215).

سناریوها به افراد امکان تجسم و اکتشاف آینده‌های ممکن رأی دهند. در این روش باید دو مسئله را در نظر بگیریم: اینکه در آینده چه احتمالاتی وجود خواهد داشت؟ و اینکه در بین احتمالات آینده، کدام احتمال برای ما مطلوب‌تر است و چه باید کرد تا احتمال مطلوب برای ما اتفاق بیفتد؟ (اساکول، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

سناریوها می‌توانند ابزار مؤثری برای مفهوم‌سازی آینده، بررسی تحلیلی رویدادها و بررسی تمامی جوانب اطلاعات باشد که می‌باید سازماندهی‌شان کرد و ابزاری نیز که برای این مهم استفاده می‌شود می‌بایست با سازواری درونی و منطقی مسیر آینده را مشخص کنند. در نقطه مقابل تفکر سناریویی، پیش‌بینی قرار دارد. در پیش‌بینی همواره یک آینده محتمل مدنظر قرار دارد و بر اساس قضاوت‌های احساسی افراد تشکیل می‌شود. فرض اساسی در این دیدگاه این است که بعضی از افراد می‌توانند بسیاری از وضعیت‌های آینده را پیشگویی کرده و زودتر از بقیه افراد هر آنچه را که رخ خواهد داد بازگو کنند. اما چنین دیدگاهی تأثیرات و متغیرهای بسیاری را از کانون توجه افراد دور می‌کند (منوری، ۱۳۸۳: ۹۸). این همان جایی است که سناریوها به کمک می‌آیند و گستره وسیعی از آینده را به کانون توجه افراد کشانده و بسیاری از عوامل را که به نظر غیرمرتبط می‌آیند در تحلیل‌هایی با سازواری درونی (فارغ از هرگونه تناقض و بر اساس منطق علت و معلولی) به طور یکپارچه و واضح تشریح می‌کنند.

حال پس از آشنایی مختصر با سناریونویسی در آینده‌پژوهی، تلاش می‌کنیم تا به طرح سناریوهای خوب و بد با استفاده از نیروهای تأثیرگذار در سطوح ملی، منطقه و بین‌المللی در خصوص تأثیر تحولات آتی عراق بر امنیت ملی ج.ا.ا. پردازیم.

۲. نیروهای تأثیرگذار سطح نظام بین‌الملل در سناریوهای محتمل آینده عراق

در این حوزه، هم در نظر گرفتن مؤلفه‌های بین‌المللی و هم نقش بازیگران و نیروهای فرامنطقه‌ای بسیار مؤثر است و صرف‌نظر از رقابت روسیه و آمریکا به‌عنوان بازیگران اصلی، بازیگران دیگر بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپا نیز در سطح بین‌المللی مهم هستند. نقشی که نهادهای بین‌المللی مشخصاً سازمان ملل ایفا خواهد کرد نیز قابل اشاره است. در هر صورت باید دانست که بازیگران بین‌المللی مانند روسیه و آمریکا و اتحادیه اروپا چه نقشی در آینده تحولات عراق دارند و روابط آن‌ها چه تأثیری بر روند تحولات خواهد داشت.

وقوع تحولات و دگرگونی‌های سریع در عراق امر محرز و آشکاری است ولی چشم‌انداز آتی این دگرگونی‌ها را باید با توجه به اهداف بازیگران فرامنطقه‌ای در عراق یعنی آمریکا و روسیه و اتحادیه اروپا ترسیم کرد. بی‌شک آن‌ها به راحتی مایل نیستند که میدان را برای دیگری باز بگذارند. بنابراین طرف عمده قراردادهای بزرگ در کشور عراق قدرت‌های

فرمانطقه ای هستند که در رقم زدن آینده عراق ممکن است دچار کشمکش‌هایی شوند. در هر صورت عراق از نظر استراتژیکی و ژئوپولیتیکی برای کشورهای چون آلمان، فرانسه، روسیه و آمریکا و ... که متحدین سنتی حکومت پیشین عراق به شمار می‌رفتند اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

۲-۱. آمریکا

با آغاز بحران اخیر عراق و اعلام مواضع رسمی آمریکا، این سؤال مطرح گردیده است که به واقع رویکرد دولت آمریکا در قبال گروه تروریستی داعش چگونه است؟ آیا حمایت‌های آمریکا از دولت بغداد و حتی عملیات‌های احتمالی علیه مواضع گروه داعش را باید به این معنا دانست که سیاست و منافع آمریکا در جهت مقابله با تروریسم و گروه‌های تروریستی در منطقه است؟ به‌طور کلی ایالات متحده آمریکا در پی تلاش جهت ایجاد چه سناریویی برای آینده عراق می‌باشد؟ به نظر می‌رسد منافع ایالات متحده آمریکا ایجاب می‌کند که منطقه خاورمیانه از صلح و ثبات پایدار برخوردار نباشد که چند دلیل عمده دارد.

۲-۱-۱. فروش اسلحه

یکی از پرسودترین تجارت‌ها با تولید ثروت ماندگار برای قدرت‌های جهانی می‌باشد، رقابت‌ها، چالش‌ها و مشکلات امنیتی در منطقه، بزرگ‌ترین فرصت را برای کارتل‌های تسلیحاتی و رسیدن به منابع ثروت را فراهم می‌آورد.

۲-۱-۲. ایجاد امنیت پایدار برای اسرائیل

بی‌شک روابط ویژه‌ای بین اسرائیل و آمریکا وجود دارد که نظیر آن در روابط آمریکا با هیچ کشور دیگری وجود ندارد. ماهیت این رابطه و منشأ و بنیان‌های آن هر چه باشد، تصور حمایت تمام‌عیار آمریکا از اسرائیل در مقابل حملات احتمالی همسایگان چندان غیرمحمتمل نیست. البته جالب توجه است که با وجود تأکید چهره‌های شاخص تکفیری بر بایسته‌های مبارزه با دشمنان اسلام، هیچ تهدیدی از سوی نوسلفی‌های تکفیری متوجه اسرائیل نشده است.

۳-۱-۲. جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در منطقه

جمهوری اسلامی ایران خواستار خروج قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌خصوص آمریکا از خلیج فارس است و معتقد است باید نوعی ترتیبات امنیتی بومی، مبتنی بر مشارکت و همکاری بازیگران منطقه‌ای در خلیج فارس ایجاد نمود. اما رهبران آل سعود و سایر کشورهای عربی جنوب خلیج فارس، از حضور آمریکا در خلیج فارس استقبال می‌کنند و با در اختیار گذاشتن پایگاه و امکانات مختلف، بسترهای لازم را برای حضور و نقش‌آفرینی این قدرت فرامنطقه‌ای در خلیج فارس فراهم می‌کنند (گودرزی، ۱۳۸۷: ۶۰).

۴-۱-۲. امنیت انتقال انرژی

فعالیت و رشد اقتصادی جهان معاصر به شکلی اجتناب‌ناپذیر با نفت و فراورده‌های نفتی گره خورده است. ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیده که برای جلوگیری از استفاده ابزاری از نفت و بروز بحران در این حوزه خود بایستی نقش حفاظت انتقال را برعهده گرفته و حضور خود در منطقه را ضروری می‌داند که بحرانی نشان دادن فضای امنیتی این منطقه بهانه‌ایی برای حضورشان است و گسترش گروه‌های تکفیری و ایجاد صلح جهانی فرصت مناسبی برای آنان فراهم می‌نماید (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴).

۵-۱-۲. هراس از گسترش هلالی شیعی و ژئوپلیتیک شیعه در منطقه

شیعه هراسی به‌عنوان یکی از ابزارهای توجیهی نوسلفی‌ها برای شیعه‌زدایی و مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. با توجه به اینکه بیشترین ذخایر انرژی خاورمیانه در منطقه‌ای موسوم به هلال شیعی قرار دارد، کنترل ایران بر این هلال، وحشتناک‌ترین کابوس برای آمریکا و کشورهای عربی محسوب می‌گردد، تهران در این هلال، محور است، هلالی که از ایران تا حزب‌الله در جنوب لبنان ادامه دارد و مناطق شیعه‌نشین جنوب عراق و نیز سوریه را دربر می‌گیرد (Gen, ۲۰۱۵: ۴۸). آمریکا می‌خواهد با استفاده از نگرانی کشورهای عربی از بیداری اسلامی و قدرت‌گیری شیعه، یک اتحاد منطقه‌ای شامل کشورهای عربی و اسرائیل بر ضد ایران سوریه، حزب‌الله و حماس تشکیل دهد، لذا به شدت از گروه‌های سلفی پشتیبانی می‌کند (نعیمیان، ۱۳۸۶: ۴۲).

روسیه در قالب سیاست جدید خاورمیانه‌ای خود، به دنبال تأثیرگذاری بیشتر و مقابله با نفوذ غرب در خاورمیانه بوده است. در این میان، یکی از کشورهای منطقه که روسیه طی چند سال گذشته تلاش کرده است تا در راستای منافع راهبردی و منطقه‌ای خود بهره و امتیاز بیشتری از گسترش روابط با آن ببرد، عراق است (خسروی، ۱۳۹۰: ۲۵). بغداد از گذشته در سیاست‌های مسکو نقش مهمی داشته و عراق متحد و دوست سنتی روسیه است. هم‌اکنون که عراق بار دیگر صحنه جنگ و درگیری شده است، درک سیاست‌های روسیه در قبال بغداد و نقش این کشور بسیار مهم است.

در بحران فعلی عراق، روسیه در پی اثبات این است که طرح آمریکایی بازسازی عراق بعد از سرنگونی صدام حسین شکست خورده است؛ زیرا آمریکایی‌ها موفق نشدند به‌وسیله کمک‌های مالی چندین میلیاردی، حضور نظامی، صادرات اسلحه، و آموزش نیروهای امنیتی ملی، عراق را به کشوری باثبات و فارغ از بحران تبدیل کنند. از طرف دیگر، روسیه معتقد است فعالیت افراطیون و گروه‌های تندرو در عراق، که از سوی عربستان سعودی، قطر و برخی کشورهای خارجی حمایت مالی می‌شوند، باعث شده منطقه به کانون گسترده‌ای برای تروریسم تبدیل شود (لسر، ۱۳۸۵: ۲۱۳). از آنجاکه در میان گروه‌های تروریستی عضو داعش در عراق بسیاری از اتباع چین و مناطق قفقاز شمالی روسیه حضور دارند، مسکو در برخورد با گروه‌های تروریستی عراق انگیزه بیشتری برای مقابله با آن‌ها دارد؛ زیرا روسیه از اواسط دهه ۱۹۹۰، با تروریسم و گروه‌های افراط‌گرای وهابی و سلفی در منطقه قفقاز شمالی دست‌وپنجه نرم می‌کند. از نقطه‌نظر اقتصادی نیز رویکرد روسیه به بحران کنونی عراق قابل بررسی است. هم‌اکنون مسکو نقش مهمی را نیز در حوزه نفت عراق بازی می‌کند. روسیه به دنبال این است که در آینده با گسترش فعالیت‌هایش در حوزه نفت عراق، جایگاه ویژه‌ای به‌دست بیاورد. اما ناامنی‌ها و حملات تروریستی که هم‌اکنون عراق را فراگرفته است می‌تواند بر برنامه‌های شرکت‌های روسی اثر جدی بگذارد و موانع بسیاری بر سر راه آنها ایجاد کند (Nemtsova, 2015: 76). به‌طور کلی می‌توان تمایل مسکو به حضور در عراق را بر اساس ملاحظات ذیل توضیح داد:

۲-۲-۱. تمایل به ایفای نقش فعال در خاورمیانه

روسیه در سال‌های اخیر نشان داده است که تمایل فزاینده‌ای به حضور در ترتیبات و معادلات خاورمیانه دارد. نقش‌آفرینی فعال در عراق از جمله مهم‌ترین مصادیق این ادعاست. این سیاست البته بخشی از راهبرد کلی روسیه برای بازیابی موقعیت خود به عنوان یک بازیگر مؤثر و مهم جهانی است که به‌ویژه در دوران زمامداری مجدد ولادیمیر پوتین در دستور کار قرار گرفته است. این راهبرد متضمن حضور اثرگذار روسیه در حوزه‌ها و مناطق مهم ژئوپولیتیک جهانی است (Vatchagaev, 2013: 16).

۲-۲-۲. رقابت ژئوپولیتیکی با غرب

بخشی از الگوی رفتاری حاکم بر مناسبات روسیه با غرب در دوره پساجنگ سرد بر مبنای رقابت ژئوپولیتیکی آن‌ها در حوزه‌ها و مناطق مختلف قابل توضیح است. دو طرف در مناطق و کشورهای مختلفی از آسیا تا افریقا و از اروپا تا امریکای لاتین با یکدیگر رقابت و هم‌اوردی دارند. درحالی‌که مقامات روس طرح‌های بلندپروازانه‌ای نظیر گسترش ناتو به شرق و یا دخالت در مسائل اوکراین را در راستای تمایل غرب به کسب برتری در رقابت ژئوپولیتیکی با مسکو ارزیابی می‌کنند، در تلاش‌اند تا با توسعه نفوذ در کشورهایی چون عراق به بهبود و ارتقا موقعیت خود در این رقابت بپردازند (Nemtsova, 2015: 79).

۲-۲-۳. بهره‌گیری از خلأ خروج نظامی آمریکا

برخی اعتقاد دارند که روسیه تمایل دارد تا پس از اجرای استراتژی خروج نظامی آمریکا از عراق از خلأ ناشی از این راهبرد استفاده کرده و حضورش در این کشور را تحقق بخشد. بدین ترتیب مسکو قادر خواهد بود تا پس از سال‌ها دخالت و اشنگتن در امور سیاسی و نظامی عراق، خود را وارد میدان کرده و به عنوان یکی از بازیگران اثرگذار در عراق به ایفای نقش بپردازد. در این میان تحرکات داعش و تعلل امریکا در ارائه کمک مؤثر به بغداد برای مقابله با تروریست‌ها فرصت مغتنمی را برای این حضور فراهم کرده است که مسکو مایل به غفلت از آن نیست.

۲-۲-۴. ائتلاف‌سازی و خلق متحدان جدید

دولت‌های بحران‌زده معمولاً از کمک‌ها و حمایت‌های خارجی برای مقابله با بحران استقبال می‌کنند تا مانع از زوال خویش شوند. این روند درعین حال به بازیگران حامی فرصت می‌دهد تا در آینده روابط نزدیک‌تری را با آن دولت‌ها پی‌ریزی نمایند. چنانچه کمک‌های ارائه‌شده در سطح مقابله مؤثر با یک تهدید فوری امنیتی باشد در آینده حتی می‌تواند به شکلی‌گیری نوعی ائتلاف میان آن‌ها بینجامد.

۲-۲-۵. جلوگیری از تقویت افراط‌گرایی در داخل و مناطق جنوبی

روسیه خود سال‌هاست که گرفتار آسیب‌های امنیتی ناشی از تحرکات افراط‌گرایان در داخل و مناطق پیرامونی است. تندروهای مناطق قفقاز شمالی و جنوبی با تروریست‌های تکفیری و سلفی پیوندهای عقیدتی دارند و به ویژه در سال‌های اخیر با حمایت آن‌ها موفق به انجام اقدامات تروریستی در مناطق مختلف روسیه شده‌اند. از سوی دیگر ثابت شده است که برخی نیروهای چپنی و به‌طور کلی قفقازی در داعش عضویت دارند و برای تسلط بر عراق در حال مبارزه هستند. این امر تهدید امنیتی مهمی را متوجه روسیه می‌کند. از این منظر تسلط داعش بر تمام یا بخشی از عراق می‌تواند موقعیت افراط‌گرایان قفقازی را بهبود بخشد (Hoffman, 2014: 65). مجموعه این ملاحظات، مقامات روس را نسبت به واکنش عملی در قبال بحران اخیر عراق متقاعد کرده است. پایداری این ملاحظات می‌تواند نقش روسیه در بحران عراق را در آینده افزایش دهد (Gambhir, 2015: 2).

۲-۳. اتحادیه اروپا

برخی از اندیشمندان روابط بین‌الملل بر این باورند که خاورمیانه بخشی از منطقه هم‌جوار آن‌ها است و این همسایگی موجب می‌شود اتحادیه اروپا به منظور جلوگیری از تسری بحران‌های این منطقه به درون اتحادیه، به برقراری و حمایت از ثبات اقتصادی و سیاسی در خاورمیانه بپردازد (Kagan, 2015: 3). برعکس، عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که اروپا جهت برقراری آرامش و بازگرداندن مسلمانان تندرو به خاورمیانه شرایطی را فراهم آوردند که آن‌ها به راحتی از مرزهای ترکیه به خاک سوریه و عراق وارد می‌شدند (Bill, 2014: 17). در جمع این دو تحلیل می‌توان این‌گونه ابراز کرد که بحران به وجود آمده در

عراق، موقعیتی را برای اروپا مهیا کرد تا با دولت‌هایی که چندان مطلوب آن‌ها نبود، مقابله کنند. این مرحله نخست بود. مرحله دوم خروج بحران از کنترل اروپایی‌ها بود. این زنگ خطر از دو جنبه قابل تأمل است. اروپایی‌ها گمان می‌کردند که داعش در خاورمیانه می‌تواند با برخی از حکومت‌هایی که مقبولشان نیست، مبارزه کند اما پس از مدتی نیروهای افراطی و داعش از کنترل‌شان خارج شده و تبدیل به خطری برای کشورهای غربی شد. به خصوص آنکه بسیاری از اتباع این کشورها که ریشه‌های بعضاً خاورمیانه‌ای یا ریشه‌هایی در بالکان مانند بوسنی و هرزگوین داشتند، عضو داعش شده بودند.

مرحله سوم، تضعیف داعش است. حتی تضعیف این گروه افراطی زنگ خطری برای اروپا به حساب می‌آید (McFate, 2015: 32). بنابراین در این مرحله که داعش در حال فرسایش است تروریست‌ها پیکان حملات خود را متوجه اروپا کرده‌اند. اتحادیه اروپا در مراحل نخستین بحران هیچ‌گاه به مسئله مهاجرت آوارگان و تبعات اقتصادی - اجتماعی آن فکر نکرد و هم‌اکنون که بسیاری از تروریست‌ها در قالب مهاجر وارد اروپا شده‌اند و به ایجاد ناامنی از طریق بمب‌گذاری و ایجاد وحشت پرداخته‌اند (Gambhir, 2015: 29).

۳. بازیگران منطقه‌ای تأثیرگذار بر سناریوهای احتمالی در آینده عراق

هر تحولی در هر کجای نظام بین‌الملل که صورت پذیرد خواه‌ناخواه کشورهای هم‌جوار و همسایه را متأثر کرده و دستخوش تحولاتی جدید قرار خواهد داد. تحولات مربوط به عراق نیز همسایه‌های پیرامون خود را به تکاپو واداشته است. زیرا حضور داعش در آن، هم از ابعاد امنیتی-سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی - فرهنگی می‌تواند بر کشورهای همسایه تأثیر مستقیم بگذارد. با توجه به این مقدمه هر کشور بر اساس اولویت‌های خود به تحولات مربوط به عراق می‌نگرد که این مهم خاتمه بحران در این کشور را با مشکل روبرو کرده است. در ادامه به معرفی بازیگران منطقه‌ای مهم در ارتباط با تحولات عراق خواهیم پرداخت.

۳-۱. جمهوری اسلامی ایران، اهداف و استراتژی‌هایش در عراق

جمهوری اسلامی بیش از همه همسایگان عراق از اقدامات و تهاجمات داعش زیان دیده و از این‌رو، در پی بازگرداندن شرایط به حال عادی و باثبات است. در عین حال، اگر

سرنگونی داعش به دست آمریکا، یعنی کشوری صورت بگیرد که بیشترین خصومت بین آن و ایران در سه دهه گذشته بروز کرده، حضور آمریکا در عراق، به احساسی دوگانه و متعارض در ایران می‌انجامد. این تعارض در وضع کنونی هم به صورت حمایت از حکومت اکثریت شیعه و در عین حال، مخالفت فعالانه با آمریکا و حضور آن کشور در عراق ادامه دارد.

۱-۱-۳. شکل‌گیری تنش‌های فرقه‌ای در استان‌های مرزی

یکی از ویژگی‌های مرزی کشورها که تأثیر مستقیمی بر امنیت مرزی دارد، داشتن تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی در نواحی مرزی است. مخالفان نظام اسلامی در میان اهل سنت مرزنشین به دو دسته تقسیم شوند؛ یکی جریان ضدشیعه؛ که در استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان به دلیل تبلیغات گسترده بر علیه ج.ا.ا و جریان‌های قدرتمند مالی و سیاسی فرامرزی، با بزرگ‌نمایی مصادیق ادعایی از عملکرد شیعیان بهانه‌ایی برای بروز جریان‌های تندرو ضد شیعه را در بین اهل سنت تقویت نموده است. دوم جریان وهابیت؛ که اگرچه به صورت ریشه‌ای در بین اهل سنت ایران وجود ندارد ولی تبلیغات و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در سال‌های اخیر به‌ویژه در عرصه ایجاد مدارس دینی و مساجد و کمک‌های مالی گسترده از سوی سعودی‌ها موجب جذب جوانان و برخی روحانیون در مناطق سنی‌نشین ایران به این گروه گردیده است. لذا افزایش شکاف سیاسی- فرهنگی با همسایگان و تضعیف اتحاد و انسجام ملی از مهم‌ترین تهدیدات ناشی از فرقه‌گرایی و تشدید اختلافات شیعه و سنی می‌باشد (پورسعید، ۱۳۸۵: ۳۱).

۱-۲-۳. بروز جنگ‌های داخلی و تحركات تجزیه‌طلبانه

برخی استان‌های کشور همچون استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان و خوزستان تنوع قومی و زبانی آن‌ها موازی با تنوع مذهبی بوده و با تقویت و بالفعل کردن همدیگر به احتمال فعال شدن و تبعات امنیتی مسائل قومی می‌افزاید. القای کشور کردستان آزاد (کردستان ایران، ترکیه و عراق) و بلوچستان بزرگ (مرز ایران، پاکستان) تحریک ترکمن‌ها و آذری‌های آذربایجان و ایران در جهت همراهی با ترک‌های همسایه خطری است که با حضور رژیم صهیونیستی در کردستان عراق، تفکر وهابیت

تکفیری و سرویس‌های جاسوسی آمریکا در بلوچستان پاکستان به‌عنوان یک خطر بزرگ در زمان بحرانی خودنمایی می‌کند.

۳-۱-۳. حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه و پیرامون مرزهای ج.ا.ایران

امنیتی شدن وضعیت خاورمیانه از نخستین تغییراتی است که پس از شروع فعالیت‌های نوسلفی‌ها در این منطقه رخ داده است. در واقع پس از حملات یازدهم سپتامبر، شورای امنیت، چنین اقداماتی را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی برشمرد. حمله آمریکا و غرب به افغانستان در واقع زمینه حضور هر چه بیشتر قدرت‌های بزرگ را در منطقه ایجاد کرد و بدین ترتیب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را دچار تحول اساسی کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۳). طبیعی است که افزایش ناامنی در عراق باعث نفوذ گروه‌های نوسلفی و تندرو در عراق و مرزهای غربی ایران شده است. از این رو بایستی اذعان کرد که یکی از مهم‌ترین پیامدهای ظهور نوسلفی‌گری در دوران معاصر در منطقه خاورمیانه، گره خوردن امنیت این منطقه با امنیت جهانی بوده که سبب حضور قدرت‌های بین‌المللی در منطقه و از بین بردن توازن و ثبات در بسیاری از کشورهای این منطقه شده است (یونسیان، ۱۳۹۳: ۱۶).

با عنایت به نکات فوق می‌توان گفت انتظار ایران از آینده عراق به قرار زیر است: خروج آمریکا از عراق و تضعیف آن در این کشور؛ این هدف روشن و کاملاً قابل فهم است و خصومت ما بین دو کشور اقتضاء می‌کند ایران چنین هدفی داشته باشد. در عین حال، ایران مایل است آمریکا در صورت اصرار بر حضور در عراق در این کشور زمین گیر و مستأصل شود.

ممانعت از تأسیس رژیم شیعی مخالف ایران همانند حکومت صدام حسین با توجه به اوضاع عراق و پراکندگی موجود در صحنه سیاسی و قومی این کشور بعید است که در آینده نزدیک چنین امکانی وجود داشته باشد.

ارتقاء جایگاه گروه‌های شیعه در صحنه عراق؛ شیعیان که به عنوان متحدان طبیعی ایران محسوب می‌شوند، اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند و با عنایت به مخالفت کشورهای سنی منطقه با قدرت‌گیری آنان، نوعی همبستگی با ایران دارند و خواهند داشت. چنین اتحادی به تقویت موضع منطقه‌ای ایران هم کمک خواهد کرد. با توجه به

همین مخالفت‌ها، احتمال رویگردانی اهل شیعه عراق از ایران یا احیاناً رقابتشان با ایران چندان قوی جلوه نمی‌کند.

۲-۳. ترکیه: اهداف و استراتژی‌ها

ترکیه همسایه شمالی عراق و درعین حال، دروازه ارتباط این کشور با اروپا نیز محسوب می‌شود. با این حال، روابط ترکیه و عراق با فراز و فرودهای بسیاری توأم بوده و در حدود سه دهه اخیر، مسئله استفاده شورشیان کرد مخالفت دولت ترکیه از شمال عراق و پناه گرفتنشان در نواحی صعب‌العبور و کوهستانی این منطقه، از اصلی‌ترین عوامل ایجاد تنش در روابط دو کشور بوده است. ترکیه به مسئله انتقال انرژی عراق و در کل، تبدیل شدن به شاهراه انرژی اروپا و همین‌طور مسئله اقلیت ترکمان مسئله کرکوک هم حساسیت دارد (Afrasiabi, 2014: 12) و از این‌رو، اهداف خویش را حول این محورها تنظیم می‌کند.

الگوشدن شمال عراق برای کردهای ترکیه؛ خودمختاری و اختیارات محلی حکومت اقلیم کردستان، توجه بخش‌های مهمی از جامعه کردی ترکیه و به‌ویژه فعالان قومی را به خود جلب کرد. تردیدی نیست که اصلاحات دولت ترکیه در سال‌های اخیر از این وضع هم بسیار متأثر است (درعین حال، مسئله عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و خستگی دولت و جامعه ترکیه و همین‌طور، مخارج سنگین تداوم جنگ داخلی را هم نباید دست‌کم گرفت) حتی تصور می‌رود دولت ترکیه نسبت به ظهور شخصیت‌های سیاسی و ناسیونالیست کرد در داخل کشور تساهل می‌ورزد تا کردهای این کشور، زعامت کردها را متعلق به بارزانی و طالبانی ندانند.

البته یک نکته نباید از نظر دور بماند و آن تفاوت زبانی کردهای ترکیه (کرمانج) با کردهای عراق (سورانی) است، به‌طوری‌که برای متکلمین دو لهجه، فهم متقابل میسر نیست (Hippler, 2005: 46).

حمایت از وضع ترکمان‌های عراق؛ به دلیل قرابت قومی ترکمان‌های عراق با اکثریت اهالی ترکیه، سیاستمداران این کشور نسبت به وضع این گروه قومی و کرکوک حساس‌اند (International Crisis Group, 2007: 16). ترکمان‌ها مدعی‌اند شهر نفت‌خیز کرکوک، اصالتاً شهری ترکمانی است که در اثر سیاست تعریب و اقدامات احزاب کرد و

مهاجرت آنها به این شهر، وضع قومی / جمعیتی شهر دگرگون شده و از این رو، مخالف الحاق این شهر به منطقه کردستان‌اند. ترکیه از ابتدا با این امر مخالف بود، زیرا تصور می‌رود با الحاق کرکوک به کردستان، پایه‌های استقلال این ناحیه در آینده مستحکم می‌شود و این امر برای آینده ترکیه نگران‌کننده است.

ترکیه برای تحقق اهداف و استراتژی‌هایش در عراق، ابزارهایی چون راه ارتباطی عراق به اروپا، خطوط لوله انتقال انرژی و کنترل بر منابع آب دو رودخانه دجله و فرات را در اختیار دارد (یونسین، ۱۳۹۳: ۳۴).

۳-۳. عربستان سعودی؛ اهداف و استراتژی‌ها

عربستان با نظام حکومتی ویژه و اسلامی خویش، مدعی زعامت دینی و عرضه الگویی برای حکومت اسلامی و اسلام اصیل و خالص است. تبلیغات گسترده‌ای که با دلارهای نفتی برای نشر عقاید وهابیت در اقصی نقاط عالم اسلامی و حتی بین مسلمانان در اروپا صورت می‌گیرد، نشان از تلاش این کشور برای حفظ و تثبیت جایگاه ادعای مذکور دارد. یکی از ویژگی‌های وهابیت و به‌طور کلی، تفکرات حنبلی و سلفی، ضدیت با شیعیان است که آن‌ها را رافضی و اهل بدعت می‌خوانند. بنابراین، قدرت‌گیری شیعیان در عراق از نظر آنها بسیار نامطلوب است (هوشی‌سادات، ۱۳۹۲: ۳۴). از سوی دیگر، عربستان دعوی آن را دارد که قدرتی منطقه‌ای است و طبعاً ایران و عراق را دو رقیب اصلی خویش می‌داند و تضعیف هر دو را به نفع خویش ارزیابی می‌کند. در مجموع، عربستان برای وصول به اهداف فوق، استراتژی‌های زیر را دنبال می‌کند:

۱. ممانعت از ظهور رقبای جدی در مقابل زعامت ادعایی عربستان در عالم اسلام و منطقه خلیج فارس، تأسیس حکومتی با اکثریت شیعه برای عربستان سلفی و ضد شیعه نوعی شکست یا نقطه ضعف و یا رقیب فکری سیاسی خواهد بود. بنابراین ناکامی در برقراری چنین حکومتی هدف مهم عربستان است (یونسین، ۱۳۹۲: ۳۴).

۲. سوق دادن مخالفان رادیکال عربستان به میدان عراق؛ در راستای این هدف و اهداف متعدد دیگر، عربستان حتی اگر عملاً هم به تجهیز و انتقال رادیکال‌های مسلح حاضر در عراق کمک نکرده باشد، دست کم نسبت به استفاده آنها از خاک عربستان اغماض نشان داده است؛ امری که تیرگی روابط عراق و عربستان را به ویژه از اوایل ۲۰۰۹ به دنبال داشته و دولت عراق مدعی بوده که سعودی‌ها به تروریست‌ها، کمک می‌کنند تا

وارد خاک عراق شوند (7: Henderson, 2007).

۳. به شکست کشیده شدن مدل دموکراسی عراق، نظام سیاسی عربستان در قیاس با اغلب کشورهای منطقه بیشترین فاصله را با حکومت دموکراتیک دارد (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۱۶۸). در مجموع، عربستان برای ممانعت از مخاطراتی که عراق آینده برای این کشور در پی دارد، از مهم ترین ابزار موجودش، یعنی گروه های خشونت طلب و رادیکال به خوبی استفاده می کند و مایل به برقراری امنیت در عراق نیست.

۴. بازیگران ملی - داخلی تأثیرگذار بر سناریوهای احتمالی در آینده عراق؛ امروزه محققان و اندیشمندان بسیاری از جمله جیمز روزنا بر این باورند که بازیگران سطح خرد در داخل سطح ملی در جهت گیری ها و تحولات، هم در عرصه سیاست داخلی و هم در عرصه سیاست خارجی بسیار تأثیرگذارند و هرگونه تحلیل، بدون این مهم ناقص می نماید. بر همین اساس مقاله به معرفی و تحلیل بازیگران تأثیرگذار داخلی عراق بر تحولات آن پرداخته است که در ادامه به شرح هر یک پرداخته خواهد شد.

۱-۴. صحنه سیاسی عراق

درباره ترکیب جمعیتی و قومی/مذهبی عراق، اطلاعات قطعی و بی طرفانه موجود نیست. آنچه در دست داریم، تخمین ها و اظهارنظرهایی است که به تناسب جایگاه و تعلقات قومی/مذهبی مطرح کنندگان بسیار متفاوت است. بر اساس تخمین های رایج حدود درصد جمعیت عراق را اعراب شیعه و سنی و بی ن ۱۷ تا ۲۰ درصد را اکراد و مابقی را گروه های قومی دیگر (نظیر ترکمان ها) و دینی (مسیحیان آشوری و غیره) تشکیل می دهند (Anderson & Stansfield, 2004: 118).

گفته می شود ۶۵ درصد کل جمعیت عراق مذهب تشیع دارند که اکثریت قاطع جمعیت این کشور را شامل می شود. گذشته از اعراب، در بین کردها و طوایف دیگر مانند ترکمان ها هم شیعیان وجود دارند. اهل سنت عراق با ۲۰ درصد جمعیت، دومین گروه مهم به لحاظ دموگرافیک محسوب می شوند (9: kazemi, 2005). البته، اکثریت گروه های کرد و ترکمان هم اهل سنت هستند، اما ظاهراً کردها به هویت قومی خویش بیش از هویت مذهبی اهمیت و اعتبار می دهند. با این حساب و با صرف نظر از جزئیات و گروه های کوچک تر می توان، گروه های عمده حاضر در صحنه عراق را به چهار دسته تقسیم کرد:

۲-۴. کردهای عراق:

کردها که قریب به درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، عمدتاً در نواحی شمال و شمال شرق عراق ساکن‌اند و این نواحی، بخش مهمی از مناطق نفت‌خیز این کشور را شامل می‌شود. کردها به لحاظ فرهنگی و زبانی از اعراب متمایزند (Mackenzie, 2009: 373). به‌هر حال، سابقه طولانی درگیری کردهای عراق با دولت مرکزی باعث شده است همسایگان یا قدرت‌های بزرگ، تقریباً همگی، از آن‌ها برای مقاصد خویش استفاده کنند. مطالبات تاریخی کردها که از آن به خودمختاری یا فدرالیسم تعبیر شده است، شامل استقلال در امور داخلی نواحی کردنشین (استقلال در امور اقتصادی- فرهنگی - سیاسی) است که در حوزه فرهنگ و آزادی‌های مدنی، رسمیت و پذیرش زبان کردی و تدریس آن در مقاطع مختلف تحصیلی و در حوزه اقتصادی، دست‌کم کسب درصدی از درآمد نفت (اگر نه همه درآمد نفتی حاصل از شمال عراق) بوده است.

با توجه به امکانات گروه‌های کرد و فضای حاکم بر عراق، می‌توان ادعا کرد کردها در قوی‌ترین وضع خویش در این کشور به سر می‌برند و به تحقق آمال و اهداف خویش بیش از هر زمان دیگری نزدیک‌ترند. امکانات و قابلیت‌های کردها و شرایط مساعد آن‌ها را می‌توان به شرح زیر ذکر کرد:

۱. ضعف دولت مرکزی و قوای نظامی به وجهی که به سهولت نمی‌تواند بار دیگر برشمال عراق سیطره کامل برقرار کند.

۲. حمایت آمریکا و تا حدودی افکار عمومی غرب، کمک کردها در ساقط کردن صدام حسین و برقراری منطقه امن در شمال مدار ۳۶ درجه (از آوریل ۱۹۹۲) تا زمان سقوط حکومت بعثی، نوعی اعتماد و یا اتکای متقابل بین کردها و آمریکا به وجود آورده است. از یک طرف، منافع مداخله همسایگان (و بخصوص ترکیه) در نواحی کردنشین می‌شود و از سوی دیگر، در چشم گروه‌ها و دولت‌های منطقه، کردها را عامل آمریکا می‌نمایاند.

۳. پس از برقراری منطقه امن در شمال عراق، سه استان سلیمانیه، اربیل و دهوک از کنترل بغداد خارج شد (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۲۵) و به صورت دوفاکتو حکومتی نیمه مستقل در این نواحی شکل گرفت که برخی از اهداف و آرمان‌های کردها را عملی ساخت. از طرف دیگر، حکومت محلی، به ویژه پس از سقوط صدام توانسته است نیروهای نظامی

و انتظامی مجهزی به وجود آورد. باین حال، کردها موانع مهمی در پیش رو دارند: نگرانی همسایگان نسبت به نیت کردها و استقلال جویی آن‌ها و مخدوش شدن تمامیت ارضی عراق و مخالفت بخش‌هایی از اعراب عراق و علی‌الخصوص اهل سنت با امتیازات اعطایی به کردها (gunter, 2008: 109).

۳-۴. شیعیان عراق

حدود ۶۵ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند و به لحاظ تاریخی حاشیه‌نشین بوده‌اند (اسدی، ۱۳۸۷: ۵۳). آزار و تعقیب شیعیان در دوران حکومت بعثی و به ویژه تحت نظارت گرفتن علما، باعث احساس محرومیت و مظلومیت در بین آنان شده است. بنابراین، طبیعی است از هر نوع تقسیم قدرت و سهم گرفتن از آن، استقبال می‌کنند. محل سکونت آنان هم اغلب نواحی جنوبی و مرکزی عراق است که از لحاظ استعداد زراعی و منابع نفتی بسیار غنی است. آنچه شیعیان می‌خواهند، با توجه گذشته ناخوشایند، گرفتن سهمی متناسب از قدرت سیاسی و آزادی‌های مشروع و عمومی و ممانعت از بروز دیکتاتوری چون صدام است (Dodge, 2005: 35). از این رو، مهم‌ترین خواسته‌های شیعیان را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. تقسیم عادلانه و حتی الامکان دموکراتیک قدرت. حفظ این شکل تسهیم و ممانعت از ظهور دیکتاتوری (سنی مذهب) همچون صدام، از مهم‌ترین اهداف شیعیان است.
۲. جلوگیری از تجزیه عراق، با آنکه نگرانی شیعیان از تجربه عراق به اندازه اهل سنت نیست، اما به دلایل مشخص استراتژیکی و ژئوپلتیکی، تجزیه این کشور برای اهل شیعه گزینه‌ای قابل قبول نیست
۳. برقراری ثبات، امنیت و آرامش در عراق؛ گروه‌های رادیکال و تروریست که در عراق، جریان خونریزی و بمب‌گذاری انتحاری را تداوم می‌بخشند، دارای گرایش‌های ضد شیعی قوی و تمایلات سلفی و وهابی‌اند. از آن جمله، داعش به واسطه دیدگاه‌های ضد تشیع شهرت دارد (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۹۸). هدف این گروه‌ها، به شکست کشاندن شیعیان است. بنابراین ارائه حکومتی کارآمد، موفق و با قابلیت‌ها و مکانیسم دموکراتیک شفاف، برای شیعیان عراق و منطقه مثبت و ضروری و برای رادیکالیسم سنی ناخوشایند خواهد بود.

۴-۴. اهل سنت عراق

اعراب اهل سنت، در دوران صدام حسین از جایگاه ممتازی برخوردار بودند و از این رو، آن دوره را عصر طلایی خویش تصور می‌کنند و از شخصیت صدام تجلیل به عمل می‌آورند. اهل سنت عراق هم امروزه به این امر واقف شده‌اند که عصر صدام اعاده شدنی نیست و واقعیات و نیروهای جدیدی آینده عراق را رقم می‌زند (خسروی، ۱۳۹۰: ۳۲). اما رادیکالیزه شدن آن‌ها، احتمال تجزیه عراق را افزایش می‌دهد و این بیش از همه به زیان اهل سنت است که مناطق محل سکونتشان بیابانی و فاقد منابع قابل توجه زیرزمینی است. در مجموع، اصلی‌ترین اهداف و آمال اهل سنت عراق را به شکل زیر می‌توان تلخیص کرد:

۱. رسیدن به حداکثر امتیازات عصر گذشته: دوران حکومت بعثی عصر مطلوب اهل سنت است و اگر چه اعاده کامل آن متصور نیست، اما می‌توان باز یابی بخش اعظم آن‌ها را در برنامه خویش گنجانند. در هر صورت، آن‌ها از تبدیل شدن به اقلیت و احتمالاً تحمل وضع زندگی اقلیت‌ها نگران‌اند و از همین رو برخی از آن‌ها حتی از گروه‌های تندرو بعثی و تکفیری نیز حمایت‌هایی را به عمل آورده‌اند (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

۲. جلوگیری از تجزیه عراق: به واسطه وضع ژئواکونومیک منطقه محل سکونت اهل سنت، تجزیه عراق، به معنای محرومیت از نعمت نفت و درآمدهای سرشار دیگر است.

۳. مخالفت با حضور آمریکا و تأکید بر ضرورت خروج متحدین از عراق: آمریکا عامل سقوط صدام و روی کار آمدن حکومت شیعی محسوب می‌گردد و این هر دو به زیان اهل سنت عراق بوده است. این وضع، جریان قوی ضدآمریکایی که در منطقه و نزد رادیکال‌های سنی موجود بود را شعله‌ورتر ساخت (Bosee, 2007: 48). اهل سنت در کنار نقاط ضعفی چون استراتژیک نبودن محل سکونتشان و اقلیت بودنشان در عراق، دو حامی قابل توجه دارند.

۱. کشورهای عربی سنی و به ویژه عربستان، مصر و اردن که وحشت خویش را از ظهور هلال شیعی تحت هدایت ایران، ابراز می‌دارند.

۲. رادیکالیسم سنی که در اقصی نقاط جهان اسلام نفوذ و حضور دارد و با گرایش ضدشیعی و توسل به خشونت، سعی در مستأصل ساختن حکومت شیعی عراق و آمریکا دارند و در واقع می‌توانند به مثابه اهرم فشار اهل سنت عمل کنند (خسروی، ۱۳۹۰: ۲۱).

در مجموع، اهل سنت عراق می‌خواهند با تضعیف حکومت شیعی (به‌زعم آن‌ها تحت حمایت آمریکا) و ممانعت از تجزیه این کشور، از افتادن گروه مزبور به وضع اقلیت جلوگیری کنند و دست‌کم به بخشی از امتیازات سابق خویش دست یابند. درباره‌ی گروه‌های رادیکال حاضر در عراق و به‌ویژه داعش، شاید نتوان به صورت مسلم و معین از ایدئولوژی و اهداف، سخن به میان آورد، اما بی‌شک این گروه‌ها ضد شیعه، غرب‌ستیز، رادیکال و دارای خط‌مشی مسلحانه‌اند. به‌هر حال، به‌رغم آنکه قوای القاعده در افغانستان و بر اثر حملات شدید نیروهای متحد، تا حدودی پراکنده شدند، اما به زودی وقتی به دست آوردند تا هم در عراق و هم در سوریه اظهار وجود کنند (Balanchard: 265: 2016). در عراق به‌طور مشخص، شاید به دلیل نزدیکی به کشورهای عربی و به‌ویژه عربستان، موفق شدند بعثیان سابق و رادیکال‌های کشورهای همسایه را بسیج کنند و هدایت خشونت‌های خون‌بار سال‌های اخیر را به دست بگیرند (Blanchard, 2013: 9).

۵. سناریوهای قابل پیش‌بینی در عراق

مقاله حاضر بر اساس بازیگران سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به تحولات عراق به ترتیب احتمال کم به زیاد چهار سناریوی؛ غیرمنتظره نامطلوب (سقوط بغداد و تشکیل حکومت توسط داعش)، منتظره مطلوب (شکست کامل داعش در عراق)، غیرمنتظره مطلوب (تجزیه عراق - نسبت به سقوط آن-) و منتظره غیرمطلوب (مدیریت بی‌ثباتی در عراق توسط آمریکا) و را مورد شناسایی و بررسی قرار داده است که در ادامه به هر یک از آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۵-۱. سناریوی غیرمنتظره نامطلوب (سقوط بغداد و تشکیل حکومت توسط داعش)
تضعیف و سقوط دولت به رهبری شیعیان در عراق، و احتمال تجزیه این کشور و حضور گروه‌های افراطی سنی در مرزهای ایران، می‌تواند باعث نگرانی ایران شود. با توجه به اینکه موقعیت بین‌المللی و خطر واکنش برخی از رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی احتمالاً در شرایط فعلی مانع از درگیری مستقیم نظامی ایران در عراق می‌شود، می‌توان انتظار داشت کمک ایران به عراق شامل حمایت اطلاعاتی و سیاسی از دولت و همچنین

تقویت تسلیحاتی و آموزشی شبه‌نظامیان شیعه باشد (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴). استقرار نیروهای تروریستی در منطقه و در نزدیکی مرزهای ایران در تقابل با منافع استراتژیک و امنیت ملی ایران است و به دلیل احتمال دامن زده شدن به جنگ‌های شیعه و سنی با این موضوع محتاطانه برخورد می‌کند. رواج جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی میان شیعه و سنی از عوامل بازدارندگی ایران است. داعش که در جبهه جنگ داخلی سوریه به بن‌بست نظامی رسیده و با تقریباً تمامی نیروهای اپوزیسیون دولت اسد درگیر شده است توجه خود را دوباره به زادگاه خویش یعنی عراق معطوف کرد. این چرخش ابتدا بیشتر منطقی نظامی مبتنی بر تأمین راه‌های تدارکاتی و لجیستیکی پشت جبهه‌های داشت که منجر به تسخیر شهرهای رمادی و فلوجه شد که نیروهای دولت عراق تا کنون هم عاجز از بازپس‌گیری آن‌ها بوده‌اند. به نظر می‌رسد که انتخابات اخیر و بیم اعراب سنی از تجدید حکومت شیعیان آن‌ها را به ائتلافی هر چند تاکتیکی با داعش کشانده است؛ موضوعی که می‌تواند حملات گسترده اخیر داعش و پیروزیهای بی سابقه‌اش را توضیح دهد.

۲-۵. سناریوی منتظره مطلوب (شکست کامل داعش و تقسیم عادلانه و دمکراتیک قدرت)

حمایت‌های آمریکا و هم‌پیمانانش از این گروه باعث شد لطمه‌ای جدی به جایگاه آمریکا در عرصه بین‌الملل وارد شود. نفرت از آمریکا که امری سنتی در خاورمیانه است با این حمایت‌ها تشدید شد. یکی از اهداف آمریکا از حمله به داعش می‌تواند بهبود بخشیدن به موضع خود در افکار عمومی باشد. از سوی داعش قدرت ابتدایی خود را از دست داده است. آمریکا دوست ندارد که ایران در نابودی داعش نقشی داشته باشد. اگر مردم عراق و سوریه با کمک و مشاوره ایران داعش را نابود کنند جایگاه محور مقاومت مخصوصاً ایران در منطقه ارتقا می‌یابد (ساسانین، ۱۳۹۳: ۱۲). پس از سقوط داعش سناریوی فوق احتمالاً در درون خود طیفی از سناریوها را خواهد داشت. بدین معنا که تقسیم قدرت می‌تواند اشکال و درجات متنوعی داشته باشد. منظور از تقسیم دمکراتیک نیز تقسیمی است که اولاً متناسب با جمعیت هر گروه و ثانیاً بر اساس مکانیسمی دمکراتیک باشد. شکی نیست که استواری و تثبیت ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک در عراق به سهولت نخواهد بود و زمانی طولانی می‌طلبد. بنابراین، بخشی از این سناریو هم مربوط به قبول

اصول دمکراتیک خواهد بود. برقراری دمکراسی باثبات در عراق برای همسایگانی که دمکراتیک نیستند، چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد، اما با توجه به حمایت نیروهای اصلی داخلی عراق (شیعیان و اکراد) و عدم مخالفت همسایگان مهم (ایران و ترکیه)، چنین سناریویی نیز محتمل به نظر می‌رسد. از دیدگاه منافع جمهوری اسلامی، این سناریو، دارای وجوه مثبت بسیار است. از یک سو متحدان طبیعی ایران شیعیان و کردها (جایگاه ممتاز و مهمی در عراق به دست می‌آورند. از سوی دیگر، عراق دمکراتیک کمترین خطر را برای ایران خواهد داشت و احتمال ظهور ماجراجویی نظیر بعثی‌ها را بسیار کاهش می‌دهد (ساسانیان، ۱۳۹۳: ۱۵). همچنین، بهانه‌ای برای حضور و دخالت‌های خارج از منطقه در عراق باقی نمی‌ماند.

۳-۵. سناریوی غیرمنتظره مطلوب (استقرار حکومت غرب‌گرا در کردستان عراق؛ تجزیه):

آمریکا خواهد کوشید تا در صورت شکست پروژه ایجاد یک کشور دمکراتیک متمایل به غرب، این پروژه را در یک محیط جغرافیایی محدودتر نسبت به کل کشور عراق عملیاتی کند. به نظر می‌رسد کردستان عراق به‌عنوان یک محدوده مناسب در درون سرزمین عراق با توجه به وجود نوعی دموکراسی حداقلی، احزاب سیاسی، پارلمان، ارتش محلی و نوعی خودمختاری نسبی، از پتانسیل بیشتری نسبت به بقیه نقاط عراق برای آزمایش امکان تحقق منطقه نمونه از حیث دموکراتیک شدن و رفاه اقتصادی برخوردار باشد.

به همین دلیل استقرار نظم و سناریوی مطلوب ایالات‌متحده در این منطقه در صورت موفقیت‌آمیز بودن به‌تمامی عراق و در مراحل بعدی به تمام منطقه صادر خواهد شد. حتی در صورت محدود شدن مرزهای این منطقه نمونه به کردستان نیز منافع حداقلی ایالات‌متحده تأمین خواهد شد؛ زیرا ایجاد این منطقه با بی‌ثبات کردن محیط علاوه بر تحت‌فشار قرار دادن ترکیه و جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل را نیز از بن‌بست محیطی‌رهایی بخشیده، امنیت آن را تأمین خواهد کرد.

آمریکا در تحقق این گزینه نیز با دردسر کمی مواجه نیست زیرا احتمال اینکه ترکیه در برابر تحقق یک دولت خودمختار یا مستقل کرد به‌شدت ایستادگی کند زیاد است، چون این امر را بزرگ‌ترین تهدید امنیتی خود به شمار می‌آورد. دیگر کشورهای منطقه

نیز نسبت به ایجاد دولت کردی حساسیت‌های بسیاری بروز می‌دهند (جعفری پویا، ۱۳۹۳: ۷۸).

آمریکایی‌ها با تعمیق پیوندهای نظامی، امنیتی و اقتصادی با این اقلیم به آن به چشم هم‌پیمانی استراتژیک نگاه می‌کنند که می‌تواند موازنه‌های منطقه‌ای را به نفع آمریکا تغییر دهد. از سویی سرمایه‌گذاری‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی آمریکا در کردستان عراق برخلاف سیاست اعلام‌شده آمریکا مبنی بر حفظ وحدت اراضی و وحدت ملی عراق نیست زیرا همه این اقدامات آمریکا بدون هماهنگی با دولت مرکزی عراق صورت گرفته و می‌گیرد (امیری مقدم، ۱۳۹۳: ۶۳). این واقعیت که منطقه کردستان برنده اصلی تحولات اخیر شد، همه را به این فکر فرو برده که احتمالاً داعش در پس پرده توافقاتی با آنها برای تقسیم مناطق نفوذ داشته تا بتوانند هر دو به آنچه که می‌خواهند برسند (Gunter, 2008: 112).

۴-۵. سناریوی منتظره نامطلوب (سیاست دوگانه - راهبرد مدیریت بی ثباتی -)

راهبرد جدید نظامی آمریکا در عراق و به‌طور مشخص در قبال داعش می‌تواند مبتنی بر حفظ نگرش موازنه‌ها می‌باشد. در این چارچوب، اصل مهم راهبردی آمریکا براساس تولید نیازهای امنیتی برای کشورهای منطقه برای محقق ساختن موازنه‌سازی امنیتی است. به‌همین دلیل در رویکرد آمریکا این هدف دنبال می‌شود که بحران کنونی داعش در عراق را نتیجه خروج نظامی خود معرفی کند. از طرف دیگر، حاضر به قبول مسئولیت‌پذیری در قبال این بحران نیز نمی‌باشد و همچنان می‌خواهد از داعش به عنوان یک وزنه در معادلات منطقه ای استفاده کند.

عمده‌ترین کلیدواژه‌هایی که در مواضع مقامات آمریکایی در موارد مقابله با داعش حائز اهمیت هستند، عبارت‌اند از:

اوباما: «نظامیان آمریکا به عراق بازخواهند گشت^۱ / از بین بردن داعش آسان نیست^۲ / عملیات نظامی ما در عراق محدود به حفاظت از منافع‌مان در این کشور خواهد

1. <http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=205633>

2. مرکز تحقیقات استراتژیک - <http://www.csr.ir/news/index.php?id=1626&title=%D9%8> - معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

بود.^۱ «اوباما» متلاشی‌کردن داعش مستلزم یک راهبرد منطقه‌ای بلندمدت است.^۲ / از هیگل خواسته‌ام گزینه‌هایی را برای مقابله با داعش در عراق آماده کند.^۳ / جان کری را برای پیگیری ائتلاف‌سازی علیه داعش به منطقه می‌فرستم.^۴ «وزیر دفاع آمریکا»: داعش یک گروه پیچیده است.^۵ «مشاور امنیت ملی کاخ سفید»: از بین بردن داعش هدف فوری ما نیست / داعش نسبت به ۶ ماه قبل خطرناک‌تر شده است.^۶

در این راستا، به نظر می‌رسد مسؤولین آمریکایی تلاش می‌کنند پیام‌های زیر را در این خصوص به مخاطبان خود منتقل نمایند:

۱. مقابله جدی نظامی با داعش در دستور کار آمریکا نیست،^۲ تهدیدات داعش برای منطقه بلندمدت است،^۳ آمریکا در ایجاد داعش هیچ‌گونه نقشی نداشته است،^۴ آمریکا به دنبال حذف کامل داعش نیست،^۵ غرب با تأخیر معناداری نسبت به مسئله داعش موضع‌گیری کرد،^۶ مواضع غرب در خصوص چگونگی ورود به صحنه عراق متفاوت است،^۷ میزان ادراک غرب از تهدید داعش متغیر است،^۸ آمریکا در صدد معرفی خود به‌عنوان «منجی» برای منطقه و عراق است،^۹ آمریکا در دوره جدید، به دنبال «مدیریت وضعیت» و نه دخالت و سرکوب کامل می‌باشد،^{۱۰} آمریکایی‌ها از جنبه‌های حقوقی برای اثبات نقش میانجی‌گرایانه و هم‌چنین ایجاد مشروعیت اقدام نظامی استفاده کرده‌اند (زارعی، ۱۳۹۳: ۳۱).

بدین ترتیب براساس تحلیل محتوای مواضع مقامات آمریکایی، به نظر می‌رسد رابطه زیر میان آمریکا و داعش وجود دارد: ۱. داعش بخشی از راهبرد منطقه‌ای آمریکاست،^۲ راهبرد بلندمدت آمریکا در مقابل داعش همراه با رویکرد تغییرات جدی در نظم موجود منطقه‌ای خواهد بود،^۳ داعش در محیط داخلی عراق کارکرد موازنه‌سازی قدرت خواهد داشت.

1. http://www.bbc.co.uk/persian/world/2014/11/141117_131_isis_killers_kassig
2. <http://www.dw.de/egrd43egg/a-17878349>
3. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1934939/+.html>
4. <http://www.interaksyon.com/article/89801/nato-to-meet-as-kerry-vows-intense-us-support-for-iraq>
5. http://www.washingtonpost.com/world/middle_east/iraq-disintegrating-as-insurgents-
6. <http://www.theguardian.com/world/middle-east-live/2014/jun/16/iraq-crisis-us-could-team>

آمریکا با حفظ داعش و سیاست‌های دوگانه در قبال این گروه اهدافی را دنبال می‌کند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: داعش به عنوان یک گروه تروریستی ظرفیت تبدیل شدن به یک طالبان جدید در منطقه را دارد. همان‌گونه که طالبان مجری برخی از طرح‌های آمریکا در افغانستان و پاکستان است این گروه هم می‌تواند در عراق و سوریه نقش مشابهی را برعهده بگیرد (زارعی، ۱۳۹۳: ۳۵). بر هم زدن نظم منطقه و اقدامات تروریستی باعث تضعیف دولت سوریه و عراق می‌شود. این امر محور مقاومت را به شدت تضعیف می‌کند. حفظ داعش به آمریکا این توانایی را می‌دهد کشورهای منطقه را درگیر جنگ داخلی کند. این جنگ مسلمانان با داعش فرصت مناسبی برای اسرائیل ایجاد می‌کند تا طرح‌های خود را در فلسطین را پیش ببرد. ضعف سوریه و عراق ضعف حزب‌الله لبنان را هم در پی خواهد داشت. حضور داعش و اقدامات تروریستی این گروه بهانه لازم برای حضور نظامی آمریکا را در منطقه فراهم کرده است. حفظ این گروه باعث می‌شود آمریکا برای هر نوع اقدام نظامی توجیهی بسازد.

وجود داعش البته به صورت مهارشده، می‌تواند وحشت بزرگی را در کشورهای عربی خلیج فارس حاکم کند. این ترس عامل خریدهای بزرگ تسلیحاتی از سوی این کشورها خواهد شد. این خریدها سود کلانی را نصیب آمریکا خواهد کرد. همچنین این کشورها بیش از پیش به آمریکا وابسته می‌شوند (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

در هر صورت همان‌گونه که در ابتدا بیان شد سناریوهای فوق در پژوهش حاضر از احتمال کم به زیاد مطرح گردیده است و به اعتقاد نگارندگان سناریوی مدیریت راهبرد بی‌ثباتی با توجه به وقایع اخیر محتمل‌تر می‌نماید. باید به این مهم توجه داشت که منافع غرب و به‌ویژه ایالت متحده آمریکا در پرتو این راهبرد سهل‌الوصول‌تر از سایر سناریوها است. به خصوص اینکه آمریکا می‌تواند از اهرم داعش استفاده‌های بسیاری در مقابله با ایران، سوریه، یمن، روسیه و به‌طور کلی کشورهای خاورمیانه ببرد. از سویی تهدید اسرائیل توسط محور مقاومت به حاشیه خواهد رفت و توجهات به سمت عراق و سوریه معطوف خواهد شد. در این راستا نیز آمریکا می‌تواند حمایت مصر، عربستان و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس را با خود همراه کند.

نتیجه

پژوهش حاضر با استفاده از آینده‌پژوهی و شیوه سناریونویسی با هدف ارائه سناریوهای محتمل در عراق به معرفی بازیگران مؤثر در عراق بر اساس ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخت. همان‌گونه که اشاره شد آینده‌پژوهی شامل مجموعه تلاش‌هایی است که با جستجوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز»، است. لذا به منظور بررسی آینده‌های محتمل در عراق، ابتدا در بعد بین‌المللی به بازخوانی منافع ایالات متحده آمریکا و روسیه و اتحادیه اروپا در عراق پرداخته شد و رفتارها، اهداف و منافع هر از این سه بازیگر در صحنه عراق مورد بررسی قرار گرفت. سپس در بعد منطقه‌ای، استراتژی‌ها و اهداف و منافع سه کشور مؤثر همسایه عراق یعنی ترکیه، عربستان و ایران و اصطکاک منافع این سه قدرت منطقه‌ای در عراق مورد بررسی قرار گرفت و در بعد ملی نیز چهار بازیگر اصلی داخلی عراق؛ شیعیان، اهل سنت، کردها و نوسلفیون تکفیری (داعش) معرفی گردیدند. بر اساس سطوح تحلیل مطرح شده نگارنده به معرفی چهار سناریوی؛ غیرمنتظره نامطلوب (سقوط عراق توسط داعش)، منتظره مطلوب (شکست کامل داعش در عراق)، غیرمنتظره مطلوب (تجزیه عراق - نسبت به سقوط آن-) و منتظره غیر مطلوب (مدیریت بی‌ثباتی در عراق توسط آمریکا) به ترتیب احتمال کم به زیاد پرداخت. بنا بر نظر مقاله از میان سناریوهای مطرح شده راهبرد مدیریت بی‌ثباتی در عراق و مدت‌دار شدن بحران در عراق محتمل‌ترین گزینه می‌نماید. برای جمهوری اسلامی ایران نیز این مهم به صورت قابل‌انتظار و غیر مطلوب ارزیابی گردید. در این راهبرد، سطح مشخصی از ناامنی کنترل شده ایجاد می‌شود تا به واسطه آن، تحرکات سیاسی هر بازیگر از طریق ایجاد ناامنی، قابل مدیریت باشد. *

کتابنامه

منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی‌اله. (۱۳۹۲). *نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت خاورمیانه*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اساکول، پی. (۱۳۸۴). *روش‌های مطالعات آینده‌پژوهی*. ترجمه سعید خزایی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و صنایع دفاعی، معاونت اطلاع‌رسانی و خدمات علمی.
- اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). *خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق جدید*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- (۱۳۸۷). *تحولات و مسائل جدید عراق و رویکرد ایران*. تهران: انتشارات شادان.
- (۱۳۹۱). *روند دولت‌سازی در عراق جدید*. تهران: انتشارات اندیشه‌سازان نور.
- امیری‌مقدم، رضا. (۱۳۹۳). «علل پیروزی‌های عراق بر داعش»، *ماهنامه اندیشه و راهبرد*، ۱۳ (۱۱). صص ۶۳.
- پورسعید، فرزاد. (۱۳۸۵). *تروریسم نوین و منافع جمهوری اسلامی ایران*، مطالعات راهبردی.
- تقوی‌گیلانی، مهرداد. (۱۳۸۹). *مطالعه روش‌های آینده‌شناسی*. طرح سیاست‌گذاری علم و فناوری در کشور، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، دفتر مطالعات.
- جعفری‌پویا، سعید. (۱۳۹۳). «اردوغان از داعش استفاده ابزاری میکند»، *ماهنامه مهرنامه*، ۳۹ (۱۰). ص ۷۸.
- حق‌پناه، جعفر. (۱۳۸۷). *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: موسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خسروی، غلامرضا. (۱۳۹۰). «مولفه‌های داخلی پایدار و مور بر سیاست خارجی عراق جدید»، در کتاب «چشم‌انداز عراق آینده: بررسی روندهای داخلی و خارجی»، به اهتمام غلامرضا خسروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

زارعی، سعدالله. (۱۳۹۳). «الگوی رفتاری آمریکا با تروریسم». *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*. ۱۵ (۱).

ساسانیان، سعید. (۱۳۹۳). *ایران و مقابله با داعش؛ مانور نظامی یا زمینه‌سازی دیپلماتیک؟*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سردارنیا، خلیل. (۱۳۹۱). «استمرار خشونت و رویای دموکراسی یک تحلیل چند سطحی». *فصلنامه راهبرد*.

۶۳ (۲). صص ۹۸-۱۱۴.

فاطمی‌صدر، امیر. (۱۳۹۳). *چشم‌انداز راهبردی داعش*. تهران: انتشارات وهابیت‌شناسی.

فیروزآبادی، حسن. (۱۳۹۳). *تکفیری‌های داعش را بشناسیم*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

گودرزی، طاهره. (۱۳۸۷). «صف‌آرایی کشورهای عربی در قبال جنگ ۲۲ روزه غزه». *اطلاعات راهبردی*. ۶ (۶۹ و ۷۰). ص ۶۰.

لسر، ایان و دیگران. (۱۳۸۵). «منابع ستیز در خاور میانه بزرگ». ترجمه علیرضا سلطانی، *راهبردهای امنیتی آمریکا در خاورمیانه*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مرادی، حجت‌الله. (۱۳۹۰). «آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها». *فصلنامه سیاست*. ۳۶. ص ۱۱۸.

منوری، مهدی. (۱۳۸۳). *اصول، اهداف و کاربردهای آینده‌اندیشی*. تهران: نخستین کارگاه آینده‌اندیشی.

مظفری، علی. (۱۳۸۹). «آینده‌پژوهی، بستر عبور از مرز دانش». *فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی*. ۲ (۴). ص ۲۴.

ناصرآبادی، زهرا. (۱۳۷۹). *آینده‌پژوهی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی استراتژیک*. تهران: موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

نعیمیان، ذبیح‌الله. (۱۳۸۶). «جریان نوسلفی‌گری در دوران معاصر». *فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی*. ۳ (۱۱). ص ۴۲.

هالستی، کی. جی. (۱۳۷۸). *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*. ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

هوشی‌سادات، سیدمحمد. (۱۳۹۲). *بیداری چهارم در خاورمیانه*. تهران: انتشارات موسسه بین‌المللی ابرار معاصر.

..... (۱۳۹۳). *داعش، میراث سیاسی غربی عربی*. تهران: مرکز پژوهش‌های

مجلس شورای اسلامی.

یونسیان، مجید. (۱۳۹۲). «تحولات روابط ایران و عربستان»، *مجله سیاسی-راهبردی بصائر*، سازمان

عقیدتی-سیاسی ارتش، ۳۴۱. ص ۳۴.

..... (۱۳۹۳). «داعش در عراق و سوریه»، *مجله سیاسی-راهبردی بصائر*، سازمان عقیدتی

سیاسی ارتش، ۳۴۴. ص ۱۶.

منابع انگلیسی

Anderson, L and Stansfield, G. (2004). *The Future of Iraq: Dictatorship, Democracy or Division?* New York: Palgrave Macmillan.

Afrasiabi, K. (2014). The New Iraq Crisis: Irans Options. *Iran Review*. pp 7-12.

Blanchard, Ch. (2007). Alqaede Statements and Evolving Ideology. *CRS report ForCongress*.

..... (2016). The Islamic State and U.S. Policey. *congressional research service*, pp. 214-269.

Bill, R. (2014). Syrian National Coalition Urges U.S. to Drop al- Nusrah Terrorism

Bosee, S. (2007). *Syria and Iranian Accendance: Suni and American Perception*, IPCS Research -Peppers, available at: <http://www.Ipcs.Org/pdf-files/issue/86606298-ipc-s-researchpaperlo-Srinjbose>, pdf, (accessed on 2008, Feb 10)

Designation, *Long War Journal*. 3, pp. 11-18

Dodge, T. (2005). *Iraq's Future: the after lathe of regime change*. New York: Routledge.

Gambhir, H. (2015). *ISIS Declares Governorate in Russia's North Caucasus*, available at: <http://understandingwar.org/backgroundunder/isisdeclares-governorate-russia%E2%80%99snorth-caucasusregion#sthash.r2anmNPY.dpuf>, (accessed on 2015, Oct 10).

..... (2015). *Meet ISIS's Most Dangerous Affiliates*. Available at: <http://understandingwar.org/sites/default/files/Harleen%20Gambhir-ISIS%20Affiliates- Politico%20DEC%202015.pdf>, (accessed on 2015, Dec14)

Gunter, M. (2008). *The Kurds Ascending: the Evolving Solution to the Kurdish Problem inIraq and Turkey*. New York: Palgrave, Macmillan.

Gen, J. (2015). Special Presidential Envoy for the Global Coalition to Counter ISIL, statement submitted for the conference Taking the Fight to ISIL: Operationalizing CT Lines of Effort Against the Islamic State Group, " *Washington Institute for Near East Policy*, pp 23-60.

Henderson, S. (2007). *Saudi Arabia: the Nightmare of Iraq in David Pollock*,

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط ایران

۸۴

سناریوهای محتمل
آینده عراق
بر اساس بازیگران
مؤثر سطوح
ملی، منطقه‌ای و
بین‌المللی

Washington Institute, Policy Focus.

- Hippler, J and B. Stone. (2005). *Nation- Building: A Key Concept for Peaceful Conflict Transformation?* UK: Pluto Press.
- Hoffman, M. (2014). *Caucasus Emirate Militants Pledge Allegiance to the Islamic State in a Video*, available at: <https://news.vice.com/article/caucasus-emirate-militantspledge-allegiance-to-the-islamic-state-in-new>, (accessed on 2014, Dec 20).
- International Crisis Group. (2007). Iraq and the Kurds: Resolving the Kirkuk Crisis. *Middle East Report*, 64.
- Kazemi , A.A. (2005). The Dilema of Nation-Builing and State Formation in the post-saddam Iraq. *Journal of law and politics*, pp: 8-17.
- Mackenzie, N. D. (1999). *The origin of Kurdish, in: Iranica Diversa*, (eds) Carlo G. ceretti and Ludwig Paul, vol. II, Roma: Instituto Italiano, PerLAFrica. E LOriente.
- McFate, J. L. (2015). *The ISIS Defense of Iraq and Syria: Countering an Adaptive Enemy*. Institute for the Study of War.
- Makridakis, S. and Wheelwright, S. (1989). *Forecasting Methods For Management*. UK: pangian press.
- Nemtsova, A. (2015). *In Russia, the Struggle to Un-Recruit ISIS Followers*. available at: <http://www.thedailybeast.com/articles/2015/04/03/in-russia-the-struggle-to-unrecruit-isis-followers.html>, (accessed on 2015, March 20).
- Rubin, B. (2007). *Syria and Iraq: The inconvenient truth*, in: David Pollock , New York: Palgrave, Macmillan.
- Vatchagaev, M. (2013). *Chechens among the Syrian Rebels: Small in Number, but Influential*. Available at: http://www.jamestown.org/single/?tx_ttnews%5Btt_news%5D=41748&no_cache=1#.VnMZnfrkJD8, (accessed on 2013, sep 16).

